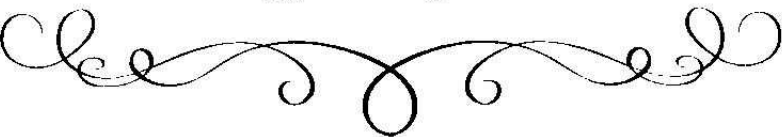


مکتب اعتراض در ادب فارسی

دکتر سیده صدیقه سجادی راد

دکتر احمد ذاکری



نگار ناشدین

Rezaei Publications

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

سجادی راد، سیده صدیقه، ۱۳۵۸-
مکتب اعتراض در ادب فارسی / سیده صدیقه سجادی راد، احمد ذاکری.
تهران : راشدین، ۱۳۹۹.
۲۶۱ص.
۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱۷۹۸-۸

فیفا
شعر سیاسی -- تاریخ و نقد
Political poetry -- History and criticism
سیاست در ادبیات
Politics in literature
ذاکری، احمد، ۱۳۲۱ -
PIR۳۶۱۴
۸۱۰۰۹۳۵۸ / ۱۰۰۹۳۵۸
۶۲۰۷۷۳۲

انتشارات راشدین
عنوان کتاب:
مؤلف:
ویراستار:
صفحه آرا:
طراح جلد:
نویت چاپ:
شمارگان:
شابک:
قیمت:
نشانی:
پایگاه اینترنتی:
پست الکترونیک:

مکتب اعتراض در ادب فارسی
دکتر سیده صدیقه سجادی راد، دکتر احمد ذاکری
دکتر راهب عارفی
آتوسا محمدی
نجمه یزدانی بخش
اول - ۱۳۹۹
۱۰۰۰
۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱-۷۹۸-۸
۷۷۰.۰۰۰ ریال
میدان انقلاب - کارگر جنوبی - کوچه گشتاسب - پلاک ۴ واحد ۶
www.siteketab.com
rashed1829@yahoo.Com

فهرست مطالب

۱۳.....	پیشگفتار.....
۱۹.....	فصل اول: ادبیات چیست؟.....
۲۱.....	ادبیات چیست؟.....
۲۲.....	تعریف ادبیات متعهد.....
۲۷.....	نظریه ادبیات متعهد.....
۲۹.....	تعریف شعر.....
۳۰.....	شعر متعهد.....
۳۲.....	تعریف شاعر متعهد.....
۳۵.....	فصل دوم: بحث یک : مفهوم و معانی ادب اعتراض.....
۳۷.....	تعاریف و کلیاتی در خصوص ادب اعتراض.....
۳۷.....	اعتراض در لغت.....
۳۷.....	تعریف اعتراض (protest).....
۳۸.....	ادب اعتراض چیست؟.....
۴۰.....	عوامل مؤثر در پیدایش و ظهور شعر اعتراض.....
۵۶.....	نمودار جامعه‌ی ایرانی در ادبیات کلاسیک.....
۵۸.....	کارکرد شعر در ادبیات کلاسیک.....
۶۱.....	مضامین و محتوی شعر کلاسیک فارسی.....
۶۵.....	شعر درباری.....
۶۷.....	شعر اجتماعی.....
۶۸.....	شعر سیاسی.....
۶۹.....	تاریخچه‌ی پیدایش ادبیات اعتراض.....
۷۰.....	ادب اعتراض در ایران باستان.....
۷۰.....	ادب اعتراض به روایت متون پهلوی.....
۷۱.....	ادب اعتراض به روایت متون زرتشتی.....
۷۵.....	ادب اعتراض به روایت شاهنامه.....

۷۸.....	ادب اعتراض به روایت گرشاسب نامه.....
۸۳.....	ادب اعتراض در اسلام.....
۸۳.....	ادب اعتراض در قرآن.....
۸۵.....	ادب اعتراض در نهج البلاغه.....
۸۷.....	ادب اعتراض در احادیث و روایات شیعه.....
۸۸.....	مدح و رثای حسین بن علی علیه السلام.....
۸۹.....	پیشینه ی عزادری و گریه بر امام حسین علیه السلام در ادب فارسی.....
۹۴.....	منقبت و مرثیه در دوره ی صفویان.....
۹۵.....	اسامی شعرای حسینی به ترتیب تاریخی.....
۹۷.....	ادب اعتراض در اقوال صوفیه.....
۹۹.....	فصل سوم: بحث دو: اعتراض در شعر شعرای کلاسیک فارسی.....
۱۰۱.....	معرفی شاعران برجسته مکتب اعتراض.....
۱۰۲.....	شاعران مکتب اعتراض در قرن چهارم و نیمه ی اول قرن پنجم هجری.....
۱۰۸.....	شاعران پارسی گوی مکتب اعتراض از اواسط قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم.....
۱۲۴.....	شاعران پارسی گو در قرن هفتم و هشتم.....
۱۴۴.....	شاعران پارسی گو از قرن نهم تا پایان دوره صفویه.....
۱۴۶.....	سبک هندی.....
۱۵۱.....	فصل چهارم: بحث سه: شیوه های بیان اعتراض.....
۱۵۳.....	شیوه های بیان اعتراض.....
۱۵۳.....	بیان مستقیم انتقادات.....
۱۵۴.....	هجو و هزل.....
۱۵۷.....	بیان انتقادات به صورت غیرمستقیم.....
۱۵۸.....	اعتراض به چرخ، آسمان و تقدیر.....
۱۶۰.....	بهره گیری از زبان پند و اندرز.....
۱۶۰.....	اعتراض در زبان تمثیل.....
۱۶۱.....	اعتراض با استفاده از شخصیت های تاریخی.....
۱۶۲.....	اعتراض از زبان جانوران.....
۱۶۵.....	اعتراض از زبان گیاهان.....
۱۶۵.....	اعتراض از زبان دیوانگان و بهالیل.....
۱۶۷.....	اعتراض از زبان پیرزنان و شیوخ.....
۱۶۸.....	اعتراض در زبان طنز.....

شعر اعتراض، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های شعر متعهد، از دیرباز در ادبیات فارسی به اشکال مختلف وجود داشته است.

آثار اغلب شعرا و نویسندگان برجسته‌ی ایرانی از گذشته تا امروز، آینه‌ی تمام نمای محیط و روزگار زندگی آنان بوده است؛ چنان که بسیاری از آنان در تحلیل و تبیین دشواری‌های زندگی به مراتب تیز بین تر و حساس تر از سایر دانشمندان اجتماعی بوده‌اند؛ زیرا از خود مردم و در تعامل با آنان بوده و در قبال مسایل و مشکلات جامعه، احساس مسئولیت می‌کردند؛ در نتیجه با سرودن شعر اعتراضی، در برابر ناراستی‌ها و کج روی‌های هیأت‌های حاکمه از نوع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... واکنش نشان می‌دادند.

در شعر فارسی به لحاظ وابستگی شاعران به دربار و یا عدم وابستگی آنان به آن، به دو دسته شاعر، یا دو جریان شعر بر می‌خوریم. دسته‌ای از شاعران طماع و جاه طلبی که با نزدیکی به دستگاه حکومت‌های ستمگر، منافع خود را تأمین کرده‌اند و شب و روز در عیش و تنعم زیسته‌اند و به سبب توجه حاکمان به آنان صاحب خانه و کنیز و غلام و آستر و جاه و مال شده‌اند، مثل شاعران درباری چابلوس که به لحاظ رعایت اخلاق و سنت شاعری مرسوم و تعیین شده از جانب دربارها و نیز از ترس سلطان و نزدیکانش از حقایق تلخ و زشت دیده خوابانند و در مقابل زر ستانند. این گروه از ابتدای شعر فارسی ندیم شاهان بودند و از آنان حمایت می‌کردند. بدین جهت، شاعری از مشاغل مهم دولتی به شمار می‌رفت.

در شعر این گروه از شاعران چیزی جز خوشی و شادخواری که مربوط به محیط دربار است، قابل درک نیست. مثلاً فرخی سیستانی با لباسی مندرس و پاپوشی پاره ولی با کاروانی از حله‌های شعر به دربار آمد و به نان و شراب و شهوت و شهرت رسید که در این هنگام او دیگر آن سیستانی نیازمند بی‌بضاعت نیست، کسی است که خود درباره خویشان می‌گوید:

کار بست مرانیکو و حالی است مرا خوب با لهر و طرب جفتم و با کام و هوی یار
 با ضیعت بسیارم و با خانه آباد بانعمت بسیارم و با آلت بسیار
 هم بارمه اسبم و هم با گله میش هم با صنم چینم و هم با بت ناتار

(فرخی سیستانی، ۱۳۷۱: ۹۲)

دسته‌ای دیگر از شاعران در صدد بودند که این جریان شعر و شاعری را که از نظر گاه آنان منحط و مبتذل بود، تغییر دهند و اخلاق شعر و شاعری را دگرگون نمایند. در شعر اینان آنچه هست تعهد و مسؤولیت نسبت به مردم و بی‌تعهدی و ضدیت با حکام ستمگر است؛ که در شعر و ادب فارسی این مقام و منزلت شاعر و جوهره سیاسی و اجتماعی شعرش و چگونگی برخوردش با جریان‌های سیاسی و نقش شعرش در میان مردم و اثر آن بر جامعه تا حدودی ناشناخته مانده است. شعر این شاعران را نگارنده، شعر سیاسی انتقادی نامیده است که یکی از جلوه‌های شعر فارسی است. این گروه از شاعران، شجاع‌ترین قشر جامعه اند، زیرا اینان هر چند در متن حوادث جامعه و درون تضادها و تناقضات سیاسی و اجتماعی شاید گاهی قرار نداشتند، لیکن قطعاً به حیث تماشاگرانی تاریک بین و نکته سنج و در عین حال، از روی احساس لطیف و عواطف شاعرانه، غمخوار مردم بوده‌اند و وضع زمانه را در آثار شعری خویش تشریح کرده‌اند. اگر کسی پا کج می‌گذاشت، خون دل می‌خوردند:

هر که پا کج می‌گذارد ما غم او می‌خوریم شیشه‌ی ناموس عالم در بغل داریم ما

(صائب تبریزی، ۱۳۷۴: ۵۴)

و ظالم را می‌نکوهیدند و از ظلم و بیدادگری رنج می‌بردند، با جهالت و نادانی و تاریکی و تاریک اندیشی مبارزه می‌کردند و کارشان روشنی در کار مردم بود:

این که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را روشنی در کار مردم بود مقصودم جوشم

(همان منبع، ۹۴)

از حکام، عدالت‌خواهی و دادگستری می‌خواستند، آن‌ها را از عواقب ظلم و بیدادگری می‌ترسانند و مردم را علیه آنان می‌شوراندند. این شاعران به عنوان هنرمندان پیام‌دار در ضمن آثار هنری و اشعار و حتی غزلیات عاشقانه و عارفانه خود گاهی به شرح وضع زمان، و زمانی به تحریک مردم علیه آن پرداخته‌اند و از زشتی‌ها و واقعیت‌های تلخ و شیرین زمانه خود

و نیز از دنیای آرمانی و شخص و حاکم ایده آل خویش که باید باشد، ولی نیست، سخن گفته‌اند.

برخی بر این باورند که همه ی شاعران گذشته ی ما مدیحه سرایان درباری بوده‌اند و در به سازی و اصلاح جامعه هیچ نقشی نداشته‌اند. نوشته‌ها و آثار آن‌ها عاری از روح حقیقت است و هیچ نشانی از تقبیح ظلم و ستم و استبداد در آن‌ها دیده نمی‌شود لذا اگر دیوان های شاعران و آثار تاریخ نویسان اسلامی را ورق بزنید و نیز به مقالات روزنامه ها و خطابه‌های خطیبان نظر افکنید، باید پذیرید که از روزگاران کهن تاکنون همه ی حکام و فرمانروایان ما عادل و دادگر بوده‌اند و هیچ حاکمی نبوده است که در عهد او گرگ و میش با هم از یک سرچشمه آب نمی‌خورده‌اند و گربه و موش با هم در صلح و صفا نمی‌زیسته‌اند اما این تحقیق ثابت می‌کند که چنین عقیده‌ای قطعاً نادرست است و در کنار شاعران چاپلوس درباری، شاعرانی نیز بوده‌اند که در برابر ظلم و ستم و تباهی، ساکت ننشسته و بنا بر روحیه و شخصیتی که داشتند فراخور شرایط سیاسی و اجتماعی به طرق مختلف از حاکمان ظالم و مستبد انتقاد کرده‌اند. در توضیح این مطلب باید بگویم که از نخستین موضوعاتی که در شعر فارسی رواج و رونق یافت، شعر مدحی و درباری بود که در سایه ی حمایت امیران و حاکمان، رشد چشمگیری یافت. در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که چنین اشعاری فاقد زمینه‌های اجتماعی باشند؛ ولی هر شعری که در مدح حاکمان و صاحبان قدرت و فرمانروایان امور جامعه سروده می‌شود، دارای کاربرد سیاسی و اجتماعی نیز هست؛ چرا که چنین اشعاری از یک سو؛ تمایلات نهفته و پنهان جامعه و شهر آرمانی موجود در ذهن جامعه را ترسیم می‌کنند و از سوی دیگر؛ گرایش گویندگان این نوع اشعار را به اهداف سیاسی و اجتماعی ممدوح نشان می‌دهند. آشنایی با این اشعار می‌تواند ما را با تاریخ اجتماعی مردم ایران آشنا سازد ولی در این رساله منظور ما از شعر سیاسی، چنین شعرهایی نیست. از سوی دیگر، برخی از شاعران مدیحه سرا با اشعار خود به صورت غیرمستقیم و با زبان پند و اندرز، فضایل اخلاقی و اصول حکمرانی را به ممدوحان خود القا می‌کردند. این بخش از شعر مدحی به جهت اینکه دارای رگه‌هایی از انتقادات است در این رساله مورد بررسی قرار خواهند گرفت. علاوه بر این، اشعاری هست که سرایندگان آن‌ها، با نگاهی نقادانه و در عین حال دردمندانه، احوال روزگار خویش را مورد کنکاش قرار داده و رفتار ظالمانه ی حاکمان، بی‌دینی‌های دین مداران، بی‌انصافی‌های بازرگانان و ریاکاری اهل تصوف را نکوهیده‌اند. در واقع هدف آرمانی آن‌ها؛ مبارزه با جهل و

نادانی و ریاکاری عالمان و مخالفت با حاکمان ستمگر و دعوت کردن آن‌ها به جاده طریقت و حقیقت بوده است. این افراد آنگاه که جامعه را از مسیر صحیح اخلاقی، منحرف می‌بینند، زبان به اعتراض و انتقاد می‌گشایند و با سرودن اشعار سیاسی و اجتماعی، مذهبی، در برابر ناراستی‌ها و کجروی‌ها، عکس العمل نشان می‌دهند. چنین افرادی گاهی به صراحت و با شجاعت تمام به بیان انتقادات خود می‌پردازند و به اصطلاح با بهره‌گیری از شیوه‌ی مستقیم، روشن‌تر و بی‌پروا تر سخن می‌گویند؛ گاهی نیز قتل و کشتار و چماق تکفیر، آن‌ها را ناگزیر می‌سازد که از شیوه‌ی غیرمستقیم استفاده کنند و با بهره‌گیری از زبان پند و اندرز، و یا بیان انتقادات از زبان حیوانات، پیران، و عقلا ی مجانین، و یا با استفاده از ابزارهای طنز و هجو، رسالت خود را به انجام برسانند.

با پیش چشم داشتن این مفهوم که امروزه ادبیات مردمی، به طور کلی، رو به جنبه‌های کاربردی دارد، پرداختن به بن‌مایه‌ی اجتماعی و به طور ویژه، یکی از برجسته‌ترین بن‌مایه‌های اجتماعی، یعنی اعتراض، اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق را توجیه می‌کند؛ این درحالی است که از سویی دیگر، اگر وجود اعتراض را نشانه‌ای بر وجود یک آسیب و کاستی اجتماعی بدانیم، با شناخت شعر اعتراض و دسته‌بندی و تحلیل آن، خواهیم توانست نوع جامعه را، به لحاظ فعال و منفعل بودن، نوع حکومت: (استبدادی، مردمی و...) بافت اجتماعی طبقات گوناگون جامعه و جز این، به خوبی از یکدیگر باز شناسیم. افزون بر این‌ها، پرداختن به موضوع اعتراض، به ماکمک خواهد کرد تا شاعران متعهد، دردمند و آگاه را از دیگر شاعران، بشناسیم و بتوانیم نوعی نقد اجتماعی را از شعر آنان، به دست دهیم و مهم‌تر آن که زمینه‌های فساد در هر قشر اجتماعی را بررسی کنیم.